

امکان سنجی راهبرد اسکان مجدد سکونتگاه‌های روستایی کوچک و پراکنده

علی خلیلی

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری

alikhali.5643@gmail.com

چکیده

الگوی سکونت‌گزینی روستایی بطور کلی از تاثیر عوامل طبیعی و نظام اقتصادی - اجتماعی در دوره‌های گوناگون تاریخی سرچشمه می‌گیرد. از اینروست که نظام پراکندگی روستاهای کشور نیز به تبع چنین شرایطی و مقتضیات طبیعی انسانی با گستردگی بسیار زیاد و تنوع آب و هوایی از منطقه‌ای به منطقه دیگر تفاوت می‌کند. این پژوهش با روش توصیفی - کتابخانه‌ای انجام شده است و در این راستا سعی بر آن دارد تا با هدف راهبرد اسکان مجدد سکونتگاه‌های روستایی به منظور رسیدن به یک راهبرد مناسب در این گونه سکونتگاه‌ها می‌باشد.

واژگان کلیدی: اسکان مجدد، سکونتگاه‌های روستایی، امکان سنجی، روستا

۱-مقدمه

سکونتگاه‌های روستایی به عنوان بستر زندگی و فعالیت‌های انسان، موضوعی چند بعدی است. مسئله سکونتگاه‌های روستایی بخشی از مسائل گسترده‌تری است که در سطح ملی و منطقه‌ای نمود پیدا می‌کند (صیدایی و نوروزی آورگانی، ۱۳۸۹، ۲). به عبارتی دیگر سکونتگاه‌های روستایی به عنوان پدیده‌های جغرافیایی، نمود فضایی و عینی عوامل طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هستند که در بستر طبیعت و در چارچوب مناسبات انسان و محیط در گذر زمان شکل گرفته‌اند. به عبارت دیگر، واحدهای سکونتگاهی روستایی در ایران به تبعیت از تنوع ناحیه‌ای و منطقه‌ای عوامل محیط طبیعی - اکولوژیک از یک سو و درجه تاثیرگذاری متفاوت نیروها و عوامل سیاسی و اجتماعی - اقتصادی از دیگر سو به نحوی متنوع و با تفاوت نیروها و عوامل سیاسی و اجتماعی - اقتصادی از دیگر سو، به نحوی متنوع و با تفاوت‌های ناحیه‌ای و منطقه‌ای برپا شده و در گذر زمان شکل امروزی خود را یافته‌اند (سعیدی و همکاران، ۱۳۸۸: ۵).

در این راستا در مکان‌گزینی سکونتگاه‌های روستایی، به عنوان بخش بزرگی از انواع مجتمع‌های زیستی، عوامل متعددی نقش داشته است که با توجه به ماهیت هر عامل، شرایط زمانی و مکانی، و اولویت‌های فرد یا افراد تصمیم‌گیرنده، اهمیت و میزان تاثیر هر عامل در فرایند مکان‌گزینی تعیین گردیده است. می‌توان عامل موثر بر مکانیابی سکونتگاه‌های روستایی را اجمالاً در پنج دسته عوامل طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جای داد (فرجی سبکبار، ۱۳۸۱: ۴۸-۳۶).

۲-اهمیت و ضرورت پژوهش

ساماندهی سکونتگاه‌های کوچک و پراکنده در یک پهنه‌ی جغرافیایی باید از یک نظام سلسله‌مراتبی تبعیت کند تا توسعه‌ی پایدار اجتماعی، اقتصادی و کالبدی آن‌ها از یک توجیه‌ی فنی و اقتصادی منطقی برخوردار گردد. خوشبختانه در سال‌های گذشته با گسترش طرح‌های منطقه‌ای (جامع شهرستان، ساماندهی فضایی سکونتگاه‌های روستایی، جامع و تفصیلی شهرها و حوزه نفوذ و هادی روستاها) تا حدودی نظام جدید استقرار فضایی سکونتگاه‌های شهری و روستایی در پهنه‌های مختلف جغرافیایی تعریف شده‌اند. البته تحقق‌پذیری این طرح‌ها در مواردی با مشکل‌های اجرایی و مدیریتی مواجه بوده است که ضرورت بازنگری و ارزیابی مجدد آن‌ها امری محتوم است (شمس‌الدینی، ۱۳۹۰: ۵۸).

به هر حال تحلیل و ارزیابی عملکرد و میزان تحقق‌پذیری این طرح‌ها می‌تواند در امکان‌سنجی راهبرد اسکان مجدد سکونتگاه‌های کوچک و پراکنده روستایی، تاثیرگذار باشد. به طوری که در اغلب این طرح‌ها، جایگاه این گونه سکونتگاه‌ها تعریف شده‌اند، ولی در مرحله‌ی اجرا با مشکل‌های اساسی مواجه بوده‌اند. از جمله این مشکل‌ها عبارتند از:

- نگرانی از هم‌پاشیدگی شالوده زندگی و تولید روستایی
- نگرانی از ایجاد ناب‌سامانی در روابط سه‌عامل مهم انسان، فعالیت و فضا
- هر اسکانی براساس انگیزه‌ای بوده است، در صورت عدم توجه به این انگیزه، پدیده مهاجرت اتفاق می‌افتد.
- نگرانی از دست دادن هویت قدیمی‌اهالی سکونتگاه‌های کوچک و پراکنده و رجعت مجدد به محل‌های قبلی
- نگرانی از پذیرش شرایط جدید و محروم شدن از امکانات و شرایط قبلی
- به طور کلی دلایل جابه‌جایی و یا اسکان مجدد سکونتگاه‌های کوچک و پراکنده را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود:
- نامناسب بودن مکان فعلی به دلایل ایمنی (سیل‌گیر بودن، زلزله خیز بودن، رانش زمین و...)
- نامناسب بودن مکان فعلی به دلایل امنیتی (خطوط ناامن مرزی)
- مشکل‌های خدمات‌رسانی (زیربنایی و عمومی)
- اختلاف‌های قومی و قبیله‌ای

- نامناسب بودن مکان فعلی از نظر زیست محیطی (واقع شدن در حریم واحدهای صنعتی آلوده‌کننده و یا حریم جاده‌های اصلی، راه آهن و غیره) (ياسوری، ۱۳۸۶: ۸۹-۹۰).

۳- پیشینه پژوهش

به طور کلی، در مقیاس جهانی، عمده‌ترین طرح‌های اسکان مجدد روستایی، در درجه اول در فعالیتهای توسعه‌ای مانند پروژه‌های ساخت سدهای بزرگ برق آبی و سپس، درمورد سکونتگاه‌های در معرض آسیب‌های طبیعی انجام شده‌اند که تعدادی از جمعیت‌های انسانی را مجبور به ترک مکان اولیه سکونت خود کرده‌اند. مطالعه اثرات و پیامدهای طرح‌های اسکان مجدد در کشورهای توسعه یافته و نیز در کشورهای در حال توسعه مورد توجه بوده است. اوسترلینگ^۱ (۱۹۷۰)، وایزر^۲ (۱۹۷۲)، آدالمو^۳ (۱۹۷۳)، ایدیپ^۴ (۱۹۸۷)، آفولایان^۵ (۱۹۸۷) و... این پیامدها را در چندین مورد مطالعه نموده‌اند (لایتفود^۶، ۱۹۸۷: ۵۴). برخی از مطالعات در جدول شماره ۱ ذکر شده است.

جدول شماره ۱: تعدادی از مطالعات خارجی در مورد اسکان مجدد و پیامدهای آن

نام محقق	سال	محل تحقیق	نتایج
جی.بی. اوسترلینگ	۱۹۷۰	انکاشینو در هایوپامپا (پرو)	مهاجرت و اسکان خودجوش روستاییان پس از زلزله، نوگرایی و تغییر نوع معیشت از کشاورزی به کارگری و خدمات
وایزر	۱۹۷۲	کاینجی (نیجریه)	گسیختگی ساختار اجتماعی و اشتغال بومی، ضعیف شدن ارتباطات اجتماعی
لایتفوت	۱۹۸۷	شمال شرق تایلند	بار مالی و افزایش هزینه‌های زندگی روستاییان
کولابا ^۷	۱۹۸۲	دلتای روفیجی (نیجریه)	دورسازی از اراضی سیل‌گیر، گسترش برخی از خدمات اجتماعی و زیرساخت‌های ناحیه‌ای
آفولایان	۱۹۸۷	منطقه ساسا	پیامدهای منفی اجتماعی- اقتصادی و فیزیکی- کالبدی همراه با افزایش هزینه‌ها

1- Osterling
 2 - Viser
 3 - Adelemo
 4- Oyedipe
 5- Afolayan
 6 - Lightfoot
 7- Kulba

نام محقق	سال	محل تحقیق	نتایج
جیبریل ^۱	۱۹۹۰	منطقه اوسمان (نیجریه)	پیامدهای منفی اجتماعی، اقتصادی و کالبدی
آکوابی ^۲ و همکاران	۱۹۹۰	زیمباوه	اسکان مجدد فقرا و کشاورزان اجاره‌ای
ووب ^۳	۲۰۰۵	گامبا (اتیوپی)	پیامدهای منفی اجتماعی و اقتصادی
اولاوپو ^۴	۲۰۰۸	حوضه آبگیر دریاچه جبا (نیجریه)	ابزاری برای شتاب دادن به توسعه روستایی از یکسو، و تغییر چشم انداز کشاورزی، ناتوانی در ادامه معیشت و روی آوردن به مشاغل جانبی از سوی دیگر
آگبا اگابوت ^۵ و همکاران	۲۰۱۰	باکاسی (نیجریه)	تأثیر بر فرهنگ، شکل مسکن، روابط اجتماعی میان اعضای خانوار، سنت‌های بومی مردم و ساختار اقتصادی

ماخذ: نگارنده

جدول شماره ۲، برخی از تحقیقات انجام شده در داخل کشور را نشان می‌دهد:

جدول شماره ۲: برخی از تحقیقات داخلی در زمینه طرح‌های اسکان مجدد

نام محقق	سال	محل تحقیق	نتایج
بدری و رفیعیان	۱۳۷۳	رودبار و طارم	خدمات رسانی، بروز مشکلات اجتماعی- اقتصادی
ایزدی خرامه	۱۳۷۶	استان فارس	پیامدهای منفی نارضایتی اجتماعی، بیکاری و مهاجرت
افراخته	۱۳۷۶	استان سیستان و بلوچستان	مکان‌گزینی نامناسب طرح‌ها، نگرش سرپناهی در ساخت مسکن روستاییان، ضعف عملکرد اقتصادی، گسیختگی وحدت اجتماعی و وابستگی به خدمات دولتی
جباری ارفعی	۱۳۷۶	شرق مازندران	افزایش هزینه‌ها، محدود شدن دامداری، بیکاری و نارضایتی
بدری	۲۰۰۱	آببر طارم	ناهنجاری‌های اجتماعی- اقتصادی در سکونتگاه‌های ادغام شده

مرور تجربیات جهانی و ملی نشان می‌دهد طرح‌های اسکان مجدد را بر مبنای معیارهای متفاوتی همچون اجباری یا داوطلبانه بودن، برنامه‌ریزی شده یا بدون برنامه‌ریزی و همچنین از نطقه نظر علل وجودی می‌توان دسته‌بندی نمود. کانون اساسی راهبرد اسکان مجدد، جدای از انگیزه‌های بازسازی، عمدتاً بر مبنای صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس است و در پی کمینه کردن هزینه‌ها و بهینه کردن سرمایه‌گذاری‌ها می‌باشد. افزون بر این، وسعت اهداف عملکردی این طرح‌ها در توسعه محلی و منطقه‌ای، افزایش بازدهی اقتصادی روستاها، کاهش هزینه‌های اقتصادی ناشی از سرمایه‌گذاری‌های زیر ساختی، تامین امکانات اولیه و ثانویه در مکان‌های کم جمعیت و در نهایت، ایجاد ساختاری مناسب در جهت توسعه روستایی در نظر گرفته می‌شوند که در کشورهای مختلف با ویژگی‌های متفاوت اقتصادی- اجتماعی به مرحله عمل درآمده‌اند.

۴- مبانی نظری

۴-۱- سکونتگاه‌های روستایی و عوامل موثر در مکان‌گزینی روستاها

سکونتگاه‌های روستایی، به عنوان یک «عینیت جغرافیای» یا «واقعیت مکانی» فضایی «ناگزیر در معرض تحولات و دگرگونی قرار دارند. این تحولات و دگرگونی‌ها در عرصه‌های روستایی در کنار تغییرات درونی، غالباً منشاء برونزا دارد و بواسطه رخداد‌های بیرونی در سطح محلی، منطق‌های و ملی پدیدار میشوند. بدینسان و در پی این فرآیند، سکونتگاه‌های روستایی در معرض "نوآوری‌هایی" قرار می‌گیرند که اغلب اصالتاً در بیرون از عرصه‌های روستایی شکل گرفته‌اند (سعیدی، ۱۳۷۷: ۲۱).

۱- Jibril

۲- Akwabi

۳- Woube

۴- Olawepo

۵- Agba Ogaboh

سکونتگاه‌های روستایی به عنوان کهن‌ترین شکل اجتماعات انسانی به دنبال تغییر در شیوه معیشت و نحوه زندگی، عموماً بر پایه کشاورزی و فعالیت‌های وابسته به آن در فضاهای جغرافیایی دارای منابع آب و خاک حاصلخیز ایجاد شده، رشد و گسترش یافته‌اند. در این راستا نوع غالب از شیوه معیشت در این کانون‌های زیستی علاوه بر اینکه گویای کارکرد روستا در آن ناحیه است، عاملی مهم و تاثیرگذار بر بافت، کالبد و شکل منازل مسکونی نیز می‌باشد (شمس‌الدینی، ۱۳۹۰: ۵۷).

عوامل و نیروهای گوناگونی در مکان‌گزینی و شکل‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی دخالت دارند که قاعده‌تاً باید در هرگونه مکانیابی سکونتگاه‌ها مدنظر قرار گیرد. گرچه به واسطه وضعیت‌های اضطراری ممکن است برپایی مکان‌های جدید برای اسکان افراد و گروه‌های انسانی آسیب دیده از سوانح و یا به علل دیگر، امری اجتناب‌ناپذیر جلوه نماید. اما ایجاد و برپایی مکان‌های جدید سکونت بایستی پس از بررسی راه‌های دیگر، حتی المقدور آخرین شیوه اسکان به شمار آید (سعیدی، ۱۳۶۹: ۲۶).

عوامل و نیروهای گوناگونی در مکان‌گزینی و شکل‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی دخالت دارند که قاعده‌تاً باید در هرگونه مکانیابی سکونتگاه‌ها مدنظر قرار گیرند. اگرچه نحوه اثرگذاری این عوامل و نیروها بیش از هر چیز به ویژگی‌های زیربنایی بستر محیطی و ساخت‌های بوم‌شناختی بستگی دارد، اما محرک اصلی در این فرآیند، مجموعه‌انگیزه‌هایی است که برای پاسخگویی به نیازهای اساسی و صورت تقاضاهای بنیادی، به‌صورت مختلف، در میان گروه‌های انسانی بروز می‌یابد. از این رو، شکل‌پذیری متفاوت و مکان‌گزینی متنوع و نهایتاً مکانیابی سکونتگاه‌های انسانی در نتیجه اثربخشی نحوه عینیت‌یابی این انگیزه‌ها، به شکل‌های مختلفی تحقق می‌پذیرد و در نتیجه، سکونتگاه‌ها از یک ناحیه به ناحیه دیگر، هم از نظر ساختاری و هم از لحاظ کارکردی، به شیوه‌های متفاوتی پدیدار می‌گردند (Rezvani and else).

بر این اساس، مهمترین کارکردهای اساسی منبعث از نیازهای بنیادی افراد و گروه‌های انسانی را به این شرح می‌توان مطرح ساخت (سعیدی، ۱۳۸۶: ۶۲):

- مسکن‌گزینی؛
- کار کردن و فعالیت؛
- برقرار کردن ارتباط با دیگران؛
- آموزش و یادگیری؛
- استراحت و گذران اوقات فراغت؛
- زندگی جمعی و تولید مثل؛
- حرکت و آمد و شد

بدین ترتیب، آشکار می‌گردد که پاسخگویی به هر یک از نیازهای بنیادی بشری و تحقق این کارکردهای گوناگون بنیادی، ابعادی شدیداً اجتماعی^۱ اقتصادی دارد؛ یعنی بدون زیست جمعی و فعالیت‌های مختلف در قالب واحدهای اجتماعی-سکونتگاهی عملاً و به درستی امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر، این کارکردهای اجتماعی-اقتصادی دارای بُعدی مکانی-فضایی و همچنین مستلزم امکانات و تأسیساتی ویژه و مستقر در بستر مکانی است. نهایتاً فضای حاصل از این فرآیند، دارای الگویی ساختاری-کارکردی است که با توجه به انگیزه‌های گوناگون و دگرگونی‌های آنها در بین گروه‌های مختلف انسانی^۲ به عنوان نقش‌آفرینان نظام فضایی^۳ تحول می‌پذیرد. به سخن دیگر، هر سکونتگاه را می‌توان اجتماعی کارکردی به شمار آورد که درجه بقا و پایداری آن به چگونگی شکل‌پذیری و نحوه پاسخگویی به این کارکردهای اساسی اجتماعی-اقتصادی در بستر مکان-فضا بستگی تام دارد (Chisholm, ۱۹۶۲).

۴-۲- پراکندگی سکونتگاه‌های روستاها

استقرار سکونتگاه‌های انسانی در دوره‌های مختلف تاریخی، تحت تاثیر عوامل طبیعی و نظام اقتصادی-اجتماعی بوده است. از این رو نظام پراکندگی سکونتگاه‌ها، به ویژه سکونتگاه‌های روستایی، به تبع شرایط طبیعی و انسانی، از منطقه‌ای به منطقه دیگر تفاوت می‌کند (جمعه پور، ۱۳۸۴). روستاهای کوچک و پراکنده در پهنه سرزمین، با مشکلاتی همچون خدمات رسانی، ارتباطات و دسترسی‌ها از یک طرف و اهمیت نگهداشت و پایداری این مجتمع‌های زیستی، به عنوان کانون‌های تولید منابع کشاورزی، از سوی دیگر روبرو هستند. بر این اساس، لزوم توجه به سازمان فضایی-کالبدی روستاهای کشور و تعیین مکان‌های مناسب برای استقرار مراکز خدماتی، فعالیت‌های اقتصادی یا جمعیتی، به دلیل

گسترش فعالیت ها، به ویژه تولید کشاورزی، و به دلیل ساماندهی و توزیع صحیح خدمات در عرصه های مختلف، امری اجتناب ناپذیر می نماید (یاسوری، ۱۳۸۳).

در برنامه ریزی های سکونتگاه های روستایی، دخالت در ساختار عملکردی سکونتگاه های روستایی باید محور انجام برنامه ریزی باشد (Sanaei-Nejad, 2003, 2). توانمندی های محیطی (طبیعی و انسانی)، بستر الگوهای استقرار سکونتگاه های انسانی را در فضاهای جغرافیایی فراهم می آورد و "ساختار فضایی هر مکان تجلی کنش متقابل بین جامعه انسانی و محیط فیزیکی پیرامون آن است (Coats other, 1977: 352)". (پراکندگی جمعیت در فضای جغرافیایی، از دو بعد قابل بررسی است؛ یکی پراکندگی جمعیت در واحد سطح و دیگری استقرار جمعیت در نقاط روستایی و شهری که برای درک سازمان فضایی و الگوی استقرار جمعیت روستایی ضروری است (معزی، ۱۳۷۳: ۴۲). اثرات تحولات جمعیتی در ساختارهای فضایی-مکانی در شناخت نحوه شکل گیری و سازمان بندی فضاهای جغرافیایی از اهمیت ویژه ای برخوردار است یکی از ویژگی های سکونتگاه های روستایی در کشور، کوچکی (از نظر تعداد جمعیت) و پراکندگی آنها می باشد. براساس بررسی های انجام گرفته تعداد کل سکونتگاه های روستایی کمتر از ۰۰۱ خانوار کشور در سال ۵۷۳۱ بیش از ۱۵ درصد می باشد. در چشم انداز کلان سکونتگاه های روستایی دارای دو ویژگی های اساسی قابل توجه می باشد، یکی "تعداد زیاد" قابل توجه سکونتگاه های کوهستانی کشور و دیگری "کوچک بودن" این سکونتگاههاست که بایستی در مدیریت و برنامه ریزی توسعه سرزمین مورد توجه جدی قرار گیرد (سعیدی، ۱۳۷۵، ۱۷). تفرق سکونتگاه های روستایی، رشد کند و بطئی و بعضاً منفی این سکونتگاهها در محدوده مورد مطالعه معلول عوامل مختلفی از جمله مهاجرت های شدید روستایی است که بر ساختار جمعیت سکونتگاه های روستایی اثر گذاشته و موجبات عدم تعادل فضایی و ناپایداری جمعیتی در مناطق روستایی شده است. شناخت اثرات تحولات جمعیتی بر ساختارهای فضایی-مکانی سکونتگاه های روستایی نخستین گام در جهت درک سازمان فضایی و پیامدهای ناشی از آن است.

۴-۳- اسکان مجدد و جابجایی روستاها

هاردوی و ساترت ویت معتقدند در گذشته، اسکان مجدد و جابجایی از بالا به پایین و دولت محور بوده و از مشارکت عمومی امتناع نموده است بنابراین منجر به تولید مسکنی که مردم تمایلی به آن نداشتند و در مکانی که هیچ کس خواستار زندگی در آن نیست، شده است (Hardoy & Satterthwaite, 1993, 125). در حال حاضر جابجایی برنامه ریزی شده متصرفان غیر رسمی زمین در بسیاری از کشورهای در حال توسعه در اشکال مختلف ادامه دارد. بر اساس سیاست ها و راهکارهای بانک جهانی، سایت های اسکان مجدد باید طی مشاوره با افراد جابجا شده و جوامع میزبان انجام شود. منابع و برنامه ها برای کاربری زمین باید کاملاً ارزیابی شوند. انتخاب سایت، گزینه های موجود برای سرپناه و زیرساخت هایی که در سایت جدید استفاده می شوند باید هم از جنبه ترجیحات مردمی و هم بهترین فرصتها برای بازسازی به موقع محل زندگی انعکاس یابند. جانمایی و حفاظت جامعه از مهمترین حوزه های مورد توجه در انتخاب سایت اسکان مجدد است. بنابراین سایت های اسکان مجدد باید برای مردم دسترسی قابل اطمینان به منابع تولید، استخدام و فرصت های تجارت فراهم کند (Xu & Tang & Chan, 2011). اعضای اجتماع باید مورد مشورت قرار گیرند و در جریان گزینه های پیش بینی شده برای اسکان مجدد قرار بگیرند.

هدف کلی اسکان مجدد ایجاد زمینه مناسب جابجایی روستاها از پهنه های پرخطر و آسیب پذیر به منظور بهبود وضعیت معیشت و رفاه ساکنین در ابعاد مختلف زندگی است. به منظور بهبود کیفیت زندگی روستایی، توجه به ابعاد و اثرات طرح های اسکان مجدد به عنوان هدف اساسی جوامع روستایی ضروری می باشد. در ایران در طی دو دهه گذشته طرح های اسکان مجدد به شکل جابجایی، ادغام و تجمیع روستاها بیشتر در بازسازی مناطق جنگ زده، نواحی آسیب دیده از زلزله، سیل، رانش زمین و در طرح های احداث سدهای مخزنی اجرا شده است (تی، ۱۳۸۱).

تغییر مکان استقرار برخی از روستاهای کشور بر اثر وقوع سوانح طبیعی و یا اجرای پروژه های اقتصادی و بعضاً برخی مسائل طبیعی، اجتماعی- سیاسی اجتناب ناپذیر می گردد. دارایی و مایملک روستاییان عمدتاً شامل کلیه عواملی است که در فرآیند فعالیت های تولیدی آنان نقش دارند. زمین های زراعی، اراضی غیرزراعی واقع در مناطق کشاورزی، مسکونی، تجاری و صنعتی، ساختمان و ابنیه اعم از مسکونی، تجاری و صنعتی- تولیدی (مانند کارگاهها، گاوداری ها، مرغداری ها، اصطبل و جز آن)، ماشین آلات کشاورزی، بناها و طرح های عمرانی، محصولات زراعی و باغی، انبارها و سیلوها و محصولات موجود در آنها از آن جمله اند. روستاییان با انواع گوناگونی از مخاطرات که محیط روستا را تهدید

می‌کنند، روبرو هستند. مکان‌یابی و جابجایی روستا بدون مطالعه تبعات مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، محیطی و کالبدی را در پی خواهد داشت که این مداخلات می‌تواند زمینه ساز ناپایداری محیط روستایی شده و آنرا دچار آشفتگی سازد. این شرایط باعث می‌شود تا ارزش‌های اقتصادی، طبیعی و کالبدی سرزمین همچنین زیبایی طبیعی، روح و هویت مکان روند فرساینده را تجربه کنند (آیسان و یان، ۱۳۸۲).

جابجایی انسان معمولاً با نگرانی، افزایش هزینه‌ها و تاخیر در اقدامات همراه است. در عین حال جابجایی غیر قابل اجتناب می‌تواند فرصتی برای توسعه باشد. در جابجایی بهتر است افراد ذینفع و تحت تاثیر در برنامه‌ها شرکت داده شوند و سهمیم باشند. این ارتباط نزدیک باعث می‌شود راحت‌تر بتوان بر مشکلات غلبه کرد. صرف زمان و تلاش بیشتر در این مرحله باعث کاهش بسیاری از مسائل آتی خواهد شد. جابجایی مکانی جمعیت پدیده‌ای صرفاً فیزیکی نیست و ماهیت سازمان اقتصادی و اجتماعی به ویژه در محیط‌های روستایی با محیط طبیعی کنش دوسویه دارد. با در نظر گرفتن ارتباط نزدیک جوامع روستایی با محیط طبیعی و این موضوع که بخش عمده‌ای از روستاها با تاثیر از عوامل طبیعی مانند رودخانه، چشمه، کوهستان و ... شکل گرفته‌اند، جابجایی مکانی و انتقال آنان به مکان دیگر بی‌گمان باعث گسسته شدن پیوندهای اجتماعی، اقتصادی، طبیعی آنان با طبیعت گردید و مسائلی را درباره سازگاری ساکنان با محیط جدیدی مطرح می‌سازد. همچنین طرح‌هایی تحت عنوان "تجمیع روستایی" در سطح کشور اجرا گردیده که مهمترین اهداف آن ایجاد شهرکها و تجمیع روستاهای پراکنده و کم جمعیت به منظور سهولت ارائه خدمات، گسترش فعالیتهای مولد، تامین رفاه اهالی و کاهش مهاجرت‌های بی‌رویه روستایی است (افراخته، ۱۳۷۵: ۸۸).

۴-۴- استقرار مناسب و پایدار

از آنجا که سایت (ساختگاه)، بستر طرح است، یافتن محل استقرار مناسب و پایدار، مقدمه‌ای برای طراحی پایدار مجتمع‌های زیستی است (دانشپور و همکاران، ۱۳۸۶). از آنجا که مکانیابی و انتخاب سایت (موضع اجرای طرح)، از اولین و مهمترین اقدامات قبل از طراحی است، توجه شایسته به آن، با پایداری کلیت طراحی، رابطه مستقیمی دارد. در مطالعاتی مانند سازماندهی مکانی فضای سکونتگاه‌ها، جابجایی روستاهای پشت‌سد، تجمیع، ساماندهی روستاهای در معرض خطر یا آسیب دیده از بلایای طبیعی ضرورت تعیین نقاط جدیدی جهت اسکان روستاییان در دستور کارنامه ریزان و طراحان قرار می‌گیرد. واضح است که انتخاب این نقاط جدید، مستلزم وجود معیارهایی برای شناسایی آنهاست (Bell, ۲۰۰۵).

۴-۵- استقرار فضایی سکونتگاه‌های روستایی و الگوهای استقرار آنها

استقرار انسان در فضا و الگوهای استقرار فضایی سکونتگاهها و کانون‌های جمعیتی، پدیده‌ای چند بعدی و داری قدمتی حدود ۱۲ هزار ساله است. بشر در روند تکاملی زیست خود بر اساس تجربیات عملی، سکونتگاه‌های خود را با توجه به عواملی همچون اقلیم، وضعیت توپوگرافی، دسترسی به منابع زیستی، امنیت، مخاطرات محیطی، امکان سازش با طبیعت، امکان بهره‌گیری و بهره‌برداری بهینه از محیط و ... انتخاب می‌کرد و تلاش می‌نمود سکونتگاهی برخوردار از آسایش داشته باشد. بدیهی است که اولین گام در هر نوع برنامه ریزی از جمله برنامه ریزی توسعه پایدار سکونتگاه‌های روستایی داشتن شناختی جامع از چگونگی پراکندگی، موقعیت و جمعیت سکونتگاهها می‌باشد. بعلاوه برای انسجام و یکپارچگی مکانی-فضایی، توسعه اقتصادی-اجتماعی، فیزیکی-کالبدی، کاهش نابرابری‌های کمی-کیفی میان حوزه‌های شهری-روستایی و رسیدن به اهداف قابل تحقق توسعه ملی، شناخت و تحلیل فضاهای سکونتی بعنوان بستر استقرار انسان از اهمیت وافری برخوردار است (سازمان شهرداری‌های کشور، ۱۳۸۲).

با نگاهی گذرا به جامعه‌ی روستایی کشور در میابیم که این جامعه از گذشته تا به حال همواره با مسائل و مشکلاتی روبرو بوده است. مشکلاتی از جمله کمبود امکانات زیربنایی، کیفیت نامناسب محیط زیست، کمی درآمد، نظام نامناسب استقرار و پراکندگی بیش از حد جمعیت و فعالیت‌ها، کوچک بودن آبادی‌ها، عدم امکان سرمایه‌گذاری مطلوب در این مکان‌ها و ... (شیرازیان، ۱۳۷۵، ۴۸۷). از طرفی پراکندگی جمعیت و به موازات آن توزیع سکونتگاهها در سطح بخش قابل سکونت زمین به طور همگون صورت نپذیرفته و امروزه، به رغم پیشرفت‌های همه‌جانبه در فن‌آوری هنوز هم نواحی قابل سکونت محدود است و تنها بخش معینی از زمین را به خود اختصاص می‌دهد (کاظمی و بدری، ۱۳۸۳، ۱۲۸).

اغلب کشورهای جهان سوم کم و بیش از نابسامانی در عملکرد نظام فضایی استقرارگاههای روستایی رنج میبرد (آمار ۱۳۷۵، ۳۲). به گونه ای که در تمامی مناطق کشور، آبادی های کوچک و بسیار کوچک ب خصوصیت؛ تعدد، تنوع، پراکندگی، محرومیت و انزوا سهم قابل توجهی از مجموع آبادی ها را به خود اختصاص می دهند و در مقابل سهم آبادی های بزرگ ۴/۸٪ از کل سکونتگاههای روستایی است (سعیدی، ۱۳۷۵، ۴۰۷). لذا انجام هر گونه مطالعه و برنامه ریزی به منظور تغییر و تحول در مجموعه های روستایی مستلزم بررسی دقیق و دستیابی به شناختی صحیح از ساخت، بافت و الگوی پراکندگی آنها است تا بتوان از این شناخت به ابزاری کارآمد برای اقدامات اجرایی بهره جست.

آنچه مسلم است اینکه برپایی سکونتگاههای انسانی در هر ناحیه از قانونمندی هایی تبعیت می کند و این عوامل در گذر زمان متفاوت خواهد بود. اما نکته ی اساسی این است که پیش از دست یازیدن به هر گونه قدمی، باید و لازم است به جستجوی علل وجودی آبادی ها و نظم پنهان، در پس ظاهر بی نظم نواحی و حوزه ها باشیم. به عبارتی دیگر بکشیم میان پراکنش ظاهرا خود به خودی و نامنظم و تعداد ظاهرا اتفاقی و بی معنای آبادی ها و مکان ها، انتظام برقرار سازیم (سعیدی، ۱۳۷۵، ۴۱۰). مجموعه عوامل طبیعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، مذهبی، نظامی و ارتباطی در انتخاب موقعیت، نحوه ی استقرار و شکل دهی سکونتگاههای روستایی نقش دارند. این عوامل در تعادل با یکدیگر به سکونتگاههای روستایی شخصیتی خاص می بخشند؛ برخی از آنها دارای ویژگی های نسبتا ثابت (عوامل طبیعی) و برخی پویا و در حال تغییر (عوامل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ...) هستند و سهم هر یک از عوامل در مکان ها و زمان های مختلف متفاوت می باشد. لذا تبیین شکل و نحوه ی استقرار و در مجموع علت وجودی سکونتگاههای روستایی چندان به سادگی امکان پذیر نیست.

۴-۶- عوامل طبیعی موثر در استقرار سکونتگاههای روستایی و الگوهای استقرار سکونتگاهها

در بررسی عوامل طبیعی موثر در استقرار این گونه سکونتگاهها باید مواردی همچون اشکال ناهمواری (پستی و بلندی)، آب و هوا، پوشش گیاهی و زیست محیط و نهایتا نحوه ی دسترسی به منابع آب و خاک را در نظر داشت.

به طور کلی الگوهای استقرار فضایی سکونتگاههای روستایی را می توان به گروههای زیر تقسیم کرد:

- الگوی استقرار خطی: در این الگو سکونتگاهها به صورت ردیفی در طول یک محور استقرار یافته اند که این محور غالبا از خطوط طبیعی (دره ها، مسیر رودخانه ها، حاسیه تراس ها) و یا از خطوط مصنوعی مانند شبکه های ارتباطی پیروی می کنند.
- الگوی استقرار دایره ای (حلقه ای یا اقماری): اصطلاحی عام برای انواع گوناگون سکونتگاههای روستایی است که پیرامون یک عامل طبیعی (سد، دریاچه و ...) یا عامل انسانی (شهر مرکزی) پراکنده شده باشند.
- الگوی استقرار گسترده: وجود روستاهایی پراکنده در دشت ها ب توجه به شرایط پراکندگی منابع آب و وجود اراضی مناسب، صورت می پذیرد.

همچون وجود محدودیت های ذاتی در محیط طبیعی (موقع طبیعی، وضعیت جغرافیایی، کمبود آب و ...) نی موجب محدودیت در شیوه ی معاش اجتماعات یکجانشین روستایی شده و گسترش اجتماعات پراکنده روستایی را جهت دستیابی به فرصت های مناسب معیشتی موجب می شود (هاشمی کوچسرانی، ۱۳۷۵، ۵۶۱). این نوع سکونتگاهها، همچون در مناطقی که عشایر اسکان یافته اند بیش از دیگر انواع مشاهده می شود (حسینی ابری، ۱۳۸۳، ۲۸۵).

- الگوی استقرار هلالی (نعلی شکل)

- الگوی استقرار ستاره ای (شعاعی)

- الگوی استقرار ترکیبی.

۴-۷- بحران های سکونتگاههای روستایی

سکونت گروههایی از اجتماعات انسانی (بیشتر روستایی) در کانون های زیستی بحرانی یا ناپایدار، به دلیل ناآگاهی یا متاثر از الزامات طبیعی- اقتصادی و اجتماعی، نه تنها آنها را همواره در معرض خطرات جانی ناشی از سوانح طبیعی و نابسامانی های اقتصادی- اجتماعی خاصی، همچون تهیدستی و فقر، بیکاری و مهاجرت و فقدان بهره مندی از حداقل خدمات مناسب قرار داده، بلکه بعضا اعتبار تاریخی و ارزش اقتصادی خود را برای تداوم در استقراری از دست داده اند (غفاری، ۱۳۷۹). بنابراین در فرایند برنامه ریزی توسعه روستایی اولویت بندی نقاط روستایی به

لحاظ میزان و درجه تاثیرپذیری از بحران های زیست محیطی از اهمیتی ویژه برخوردار است، چرا که بازخورد منفی حاصل از نادیده انگاشتن این مهم نتیجه ای جز اتلاف منابع اقتصادی و انسانی و در مواردی دامن زدن به ناپایداری و یا تشدید بحرانهای موجود را در پی نخواهد داشت، همانگونه که با مدیریت صحیح و بهنگام بحران امکان حصول پایداری بیشتر فراهم می گردد (غفاری، ۱۳۸۱).

واقعیت این است که در انتخاب مراکز روستایی برای استقرار خدمات برتر در آنها بیش از هر چیز، سطح پذیرش اجتماعی باید در نظر گرفته شود؛ زیرا محتوا و خدمات هر طراحی باید به گونه ای باشد که پاسخگوی نیازها و مشکلات مردم روستا در زمینه مورد نظر (حداقل تا حدودی)، باشد. در چنین حلتی، با درک روستاییان نسبت به مساله، شرکت آنان نیز بیشتر، موثرتر و دلسوزانه تر می گردد. (Montgomery, 1998, 53). اصولاً طرح های توسعه روستایی، چه به لحاظ ماهیت و چه محدودیت امکانات و منابع دولتی، نیازمند مشارکت مردم در ابعاد وسیع هستند (Jupp, 1998, 73).

در مباحث کلی، معمولاً معیارهای مکانیابی را در توجه به برخی نکات خلاصه می کنند؛ این نکات قاعده‌تاً عبارتند از:

(الف) نیازهای اجتماعی: در صورت امکان، به هنگام تعیین محل و موقعیت سکونتگاه، بایستی زمینه های اجتماعی و فرهنگی افراد و گروههای ذیربط مدنظر قرار گیرد. البته، در اغلب موارد و شرایط، انتخاب محل یا مکان مورد نظر با محدودیت همراه است. به عنوان نمونه، ممکن است عرصه ای که حتی با حداقل استانداردها مطابقت داشته باشد، کمیاب و حتی نایاب باشد. هنگامی که مکانی انتخاب شد و در آن استقرار صورت پذیرفت، لازم است تا تعیین گردد چرا این محل پیش از آن توسط مردم مورد استفاده و بهره برداری قرار نگرفته است و دلایل این عدم بهره برداری چه بوده است (مثلاً فقدان آب کافی و یا آب گرفتگی به واسطه وضعیت خاص رژیم بارش در منطقه و مانند آن). نهایتاً، اگر این علل و دلایل یافته شد و عللی منطقی به شمار آمدند، باید از استقرار در آن مکان خودداری نمود (ازکیا، ۱۳۸۱).

(ب) آب: از مهمترین مولفه های مکانیابی و انتخاب محل جدید، دسترسی به مقدار کافی آب دایمی و در دسترس در طول سال است. همین موضوع، در عین حال، پیوسته یکی از دلمشغولی های هم کارشناسان و هم مردمان ذیربط به شمار می رود. آشکار است که نمی توان (و نباید) به انتخاب مکان معین برای اسکان پرداخت، با این فرض که آب مورد نیاز را می توان بعداً از طریق حفر چاه و یا انتقال یا حتی حمل آن از جای دیگر به محل مورد نظر تأمین نمود. حفر چاه در اغلب موارد با هزینه های زیاد همراه است و یا اصولاً آب کافی ممکن است دست یافتنی نباشد. از سوی دیگر، نمی توان برای مدت طولانی و یا به طور دایمی، آب را از جای دیگر به مکان مورد نظر حمل نمود. بدین سان، باید توجه اکید داشت که یکی از پیش شرط های مکانیابی، قابلیت دسترسی به آب در مکان انتخاب شده است. از سوی دیگر، در پاره ای موارد ° به ویژه در نواحی مرطوب و یا عرصه های در معرض سیلاب ° ممکن است آب کافی در دسترس باشد، اما در این ارتباط آنگیر بودن اراضی و زهکشی آنها به عنوان معضل مطرح باشد. بنابراین، در این گونه موارد ضرورت دارد تا کل عرصه انتخابی برای سکونت از سطح آگیری بالاتر تعیین شود. این مقدار معمولاً بیش از ۳ متر بالاتر از سطح آگیری و مکان مورد نظر و ترجیحاً بر عرصه ای با شیب ملایم انتخاب می شود، زیرا مکان های هموار و تخت معمولاً در دفع هرز آب ها و سیلاب ها با مشکلات جدی روبرو خواهند بود. البته آشکار است که حتی المقدور باید از انتخاب مکان در اراضی ماندابی، مردابی و یا عرصه های در معرض آگیری دایمی و یا فصلی (به هنگام بارش) جداً اجتناب نمود. در این گونه موارد، خط طبیعی تقسیم آب ها می تواند مکان نسبتاً مناسبی به حساب آید (نیلی و همکاران، ۱۳۸۲).

(ج) فضای آزاد (عرصه های باز): مکان انتخابی اساساً باید از عرصه های قابل استفاده کافی برای جمعیت مورد نظر (با توجه به رشد آتی) و نیز تأسیسات مورد نیاز برخوردار باشد. سازمان بهداشت جهانی فضای سرانه مورد نیاز را حداقل ۳۰ مترمربع برای هر نفر، به اضافه زمین کافی برای فعالیت های روستایی و کشاورزی و نیز نگهداری دام تعیین کرده است. همین مقدار در موارد اسکان موقت، فضایی برابر ۳/۵ مترمربع است (فرهادیان، ۱۳۸۲: ۱۴).

البته، قابلیت عرصه فضایی انتخابی برای رشد فیزیکی - کالبدی آتی محل نیز باید پیش بینی و ارزیابی گردد. نکته اساسی دیگر در همین ارتباط، اجتناب از انتخاب مکان هایی است که در معرض ادعاهای ملکی - عرفی و یا منازعات سنتی - محلی قرار دارند (استلاجی، ۱۳۸۱: ۲۵۵ - ۲۵۳).

(د) امکانات دسترسی: محل انتخابی باید از امکان بهره مندی از وسایل نقلیه و راههای مواصلاتی برخوردار باشد در همین ارتباط، دسترسی به امکانات و خدمات گوناگون، نظیر آموزش، بهداشت و درمان و نیز بازارهای مبادلاتی از پیش شرط های مکانیابی به شمار می رود (توده روستا، ۱۳۸۲: ۲۳).

ه) **ملاحظات زیست محیطی:** عرصه انتخابی حتی المقدور باید به دور از خطرات و آسیب های محیطی، نظیر سیل، زلزله، طوفان ریگ و همچنین محیط های بیماری زا باشد. در همین ارتباط، شرایط اقلیمی قاعداً باید با آسایش زیستی در طول سال همراه باشد. به عنوان مثال، مکان مناسب در فصل خشک ممکن است در فصل مرطوب و بارش نامناسب جلوه کند. در حالی که بادهای معتدل و خنک خود امتیاز به شمار می آیند، ممکن است بادهای شدید و یا گرمزا، نامناسب و دارای امتیاز منفی به شمار آیند. قدرمسلم آن که محیط مکانیابی شده جدید قاعداً نیاستی از لحاظ اقلیمی با تفاوت های شدید با محیط زندگی مالوف پیشین همراه باشد (Mezer, 1981).

و) **پوشش زمین و خاک:** خاک مکان انتخابی باید از نفوذپذیری مناسب و کافی برخوردار باشد، بنابراین طبعاً باید از انتخاب محل های سنگی برخوردار از خاک های غیرقابل نفوذ پرهیز نمود. قابلیت و حاصلخیزی خاک کافی برای زراعت و باغداری نیز باید مورد عنایت و تأکید جدی قرار گیرد. به همین ترتیب، پوشش گیاهی محل انتخابی نیز از اهمیت برخوردار است. از این رو، توجه به برخورداری زمین از گیاهان علفی، درختچه ای و درختان طبیعی اساسی به شمار می رود، چرا که این گونه پوشش نه تنها عاملی در جلوگیری از فرسایش خاک، برپایی گرد و غبار و مانند آن به حساب می آید، بلکه در ایجاد محیط دلپذیر و قابل زیست و نیز پذیرش محل جدید نزد ساکنان نقش مهمی ایفا می کند. طبیعی است که پوشش گیاهی، به ویژه درختان و درختچه های محل، نباید از سوی کارشناسان و یا ساکنان به عنوان ماده سوختی مورد نظر قرار گیرد، بلکه پیوسته لازم است تأمین سوخت بدیل، مثلاً نفت، گاز و مانند آن، مورد توجه جدی باشد. در همین ارتباط، تعیین کاربری زمین و تبیین فضاهای مختلف مکان انتخابی، از جمله محل استقرار خانه ها، تأسیسات و اراضی کشاورزی باید با دقت کافی برای موارد مربوط تخصیص یابند (فیروزنیا و افتخاری، ۱۳۸۲).

ز) **حقوق ملکی زمین:** اراضی محدوده انتخابی باید از هر جهت از لحاظ مالکیت، چرای سنتی دام (حقوق مرتع) و سایر موارد حقوق عرفی جمعیت بومی محل مستثنی باشد، زیرا این گونه حقوق محلی، در اغلب موارد، موجب تعارضات بین گروهی و اجتماعی خواهد بود. حتی در مواردی که عرصه انتخابی از اراضی ملی و دولتی به شمار می رود، ممکن است ساکنان بومی به طور سنتی چنین حقوقی در بهره برداری از آنها برای خود قابل باشند. بنابراین، توجه به این نکته در بررسی های مکانیابی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. آنچه مسلم است این که، اراضی تخصیصی باید از لحاظ قوانین رسمی و نیز حقوق عرفی، وضعیتی کاملاً روشن و شفاف داشته باشند (نجفی، ۱۳۷۶: ۳۷).

۴-۸- مکانیابی سکونتگاه های روستایی و ابعاد توسعه پایدار

در انتخاب محل و مکانیابی سکونتگاه های روستایی رعایت اصول و ابعاد توسعه پایدار که مورد وفاق عام است، از الزامات بنیادی به شمار می رود. برای توسعه پایدار از دیدگاه های مختلف ابعاد گوناگونی در نظر گرفته می شود، اما آنچه که قاعداً به عنوان ابعاد اصلی این نوع رویکرد به توسعه مطرح می گردد، عبارت است از (Elliott, 1994):

- بُعد محیطی- اکولوژیک؛
- بُعد اجتماعی- فرهنگی؛
- بُعد اقتصادی؛
- بُعد نهادی- سیاسی؛ و
- بُعد کالبدی- فضایی

جدول شماره ۳: ابعاد توسعه پایدار در انتخاب محل و مکانیابی سکونتگاه های روستایی

ردیف	بعد اجتماعی	بعد محیطی	بعد اقتصادی	بعد نهادی (سازمانی)
۱	آموزش	آب شیرین / آب زیرزمینی	وابستگی اقتصادی / دیون	تصمیم سازی هماهنگ
۲	اشتغال	کشاورزی/تأمین مطمئن مواد غذایی	سوخت (و انرژی)	ظرفیت سازی
۳	درمان / تأمین آب / بهداشت	شهرنشینی	الگوهای مصرف و تولید	علم و فناوری
۴	مسکن	منطقه ساحلی	مدیریت مواد مازاد (زباله)	آگاهی عمومی و اطلاعات (اطلاع رسانی)
۵	رفاه و کیفیت زندگی	محیط دریایی / حفاظت از نهشته های مرجانی	حمل و نقل	پیمان های (قراردادهای) همکاری بین المللی

ردیف	بعد اجتماعی	بعد محیطی	بعد اقتصادی	بعد نهادی (سازمانی)
۶	میراث فرهنگی	صید و ماهیگیری	استخراج (معدن)	خودگردانی / نقش جامعه مدنی
۷	فقر / توزیع درآمد	تنوع زیستی / بیوتکنولوژیکی	ساختار اقتصادی و توسعه	چارچوب‌های نهادی و قانونگذاری
۸	جرم و بزهکاری	مدیریت پایدار جنگلی	تجارت (مبادله)	(آمادگی برای) مقابله با سوانح (طبیعی)
۹	جمعیت	آلودگی هوا و کاهش ازون در سطح جهانی	بهره وری (قابلیت تولید)	مشارکت عمومی
۱۰	ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی	تغییر اقلیم / افزایش سطح آب دریاها		
۱۱	نقش زنان	بهره برداری پایدار از منابع طبیعی		
۱۲	دسترسی به زمین و منابع	گردشگری پایدار		
۱۳	ساختار آبادی	ظرفیت محدود توان پذیرش		
۱۴	مساوات/ابرابری / محرومیت اجتماعی	تحول در کاربری اراضی		

مأخذ: کمیسیون توسعه پایدار سازمان ملل (۱۹۹۱)

جدول شماره ۴: معیارهای مکان‌گزینی پیشنهادی برای سکونتگاه‌های روستایی

الف. ویژگی‌های کالبدی: ۱-۱ ارتفاع از سطح دریا. ۱-۲ میزان شیب زمین. ۱-۳ جهت شیب زمین. ۱-۴ مقاومت خاک. ۱-۵ نیاز به آماده‌سازی زمین. ۱-۶ فضای لازم برای توسعه کالبدی آتی.	ب. ویژگی‌های کیفی طبیعی: ۱-۷ ویژگی‌های بوم‌شناختی و طبیعی ۱-۸ آب‌های زیرزمینی	ج. مخاطرات طبیعی: ۱-۹ فاصله از گسل‌ها ۱-۱۰ فاصله از مسیل‌ها	۱. عوامل طبیعی
۲-۱ فاصله از راه‌های ارتباطی اصلی. ۲-۲ دسترسی به تاسیسات زیرساختی (آب، برق، تلفن) ۲-۳ دسترسی به خدمات رفاهی _ اجتماعی (بهداشت، مدرسه و ...) ۲-۴ رضایت عمومی ساکنان			۲. عوامل اجتماعی
۳-۱ فاصله از محل فعالیت (مزارع و باغ‌های) روستاییان ۳-۲ شرایط تملک زمین ۳-۳ امکان سازگاری معیشت روستاییان با محیط			۳. عوامل اقتصادی
۴-۱ ارزش‌های تاریخی ° فرهنگی سایت ۴-۲ احتمال بروز جدال‌ها و اختلافات قومی _ قبیله‌ای (در مورد مکان‌های مسئله‌دار و مورد مناقشه ۴-۳ وجود آثار مذهبی _ فرهنگی			۴. عوامل فرهنگی
۵-۱ مرزها و تقسیمات سیاسی _ اداری ۵-۲ سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های مسئولان کشور			۵. عوامل سیاسی
۶-۱ حس تعلق به مکان			۶. عوامل روان‌شناختی

منبع: (دانشپور و مرادپور، ۱۳۸۶).

نتیجه گیری

ساماندهی روستایی با رویکرد همه جانبه و جامع گامی در فرایند برنامه ریزی و توسعه نواحی روستایی به ویژه در سطح محلی است با توجه به نبود سطح محلی در نظام برنامه ریزی کشور طرحهای ساماندهی می توانند به عنوان طرحهای جامع توسعه روستایی در سطح محلی این خلأ را پر کنند در واقع اگر طرحهای ساماندهی روستایی بتوانند به عنوان چارچوب برنامه ریزی در سطح محلی ایفای نقش کنند و تعادل مناسبی را با طرحهای بالادست و فرودست خود داشته باشند نقش مؤثری در فرایند برنامه ریزی توسعه نواحی روستایی کشور خواهند داشت (رضوانی، منصوریان و احمدی، ۱۳۸۹).

در کلیه کشورهای در حال توسعه تکنولوژی یا فنون روستایی واقعا "عقب افتاده است که دلیل عمده آن می تواند منزوی بودن مناطق روستایی از مراکز شهری و کشاورزی از صنعت باشد هنگام آن فرا رسیده است که گرایش های دو گانگی از برنامه ریزی توسعه حذف شوند، گرایش هایی که شهر را در مقابل روستا و صنعت را در مقابل کشاورزی قرار می دهد در عوض باید گرایش به قرار دادن شهر در کنار روستا و صنعت در کنار کشاورزی و بطور کلی هماهنگی این عناصر در برنامه ریزی توسعه ملحوظ نظر باشد. باید سعی شود موانع موجود بر سر راه هماهنگی، جامع بینی و در کنار هم قرار دادن عناصر فوق الذکر شناسایی شوند و نیاز کنونی پیشبرد، بهبود و ارتقای فنی فعالیتهای روستایی است که در زمینه های غیرزراعی ایجاد اشتغال کند بنابراین نیاز فزاینده ای به برنامه ریزی منطقه ای در جهت ائتلاف مناطق شهری و روستایی و نوسازی فنی و اصلاح کلی آنها حس می شود. برنامه ریزی در جهت شناسایی روستاهای مرکزی برای ارائه خدمات مناسب و مورد نیاز، ایجاد مشاغل غیر زراعی و توسعه صنایع روستایی، یکپارچه سازی اراضی کشاورزی، کاهش مهاجرت روستاییان، توسعه منابع انسانی و... می تواند چالشهای موجود در توسعه روستایی را تا حدی حل نماید. بدلیل وجود تنگناهایی در توسعه روستایی ایران و برنامه ریزی آن باید در جهت اقدامات زیر گام برداشته شود:

- بدلیل عملی نشدن طرح تجمیع در ایران باید روستاهای مرکزی جهت ارائه خدمات بهتر شناسایی شود.
- تعادل مناسب در سیستم فضایی مناطق برای توزیع عادلانه حداقل امکانات و خدمات ضروری برای آحاد روستائیان ایجاد شود.
- در مورد روستاهای خیلی کوچک، در راستای توسعه انسانی و خدمات رسانی نباید فقط از دید صرفاً اقتصادی نگریسته شود.
- در جهت تلفیق صنایع روستایی در چهارچوب برنامه ریزی ملی سراسری تلاش شود و اقداماتی در جهت تشویق صنایع جدید و کوچک مقیاس در روستا صورت گیرد. مشارکت تعاملی روستائیان در طرح، برنامه ریزی، اجرا و ارزشیابی برنامه ها جهت عملی شدن و مؤفقیت آمیز بودن آنها ضروری است.
- نیاز سنجی افراد منطقه مورد نظر قبل از برنامه ریزی امری اجتناب ناپذیر باید باشد.

اگرچه تاکنون بیشتر به اثرات اقتصادی- اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی اسکان مجدد توجه شده است اما این چارچوب نمی تواند کامل باشد. با توجه به نتایج این مقاله و تاثیرات اسکان مجدد بر ابعاد مختلف کیفیت زندگی، پیشنهاد می شود در ارزیابی پیش از اجرای طرحهای اسکان مجدد و در بحث ارزیابی اثرات احتمالی این طرحها، چارچوب کیفیت زندگی مورد توجه قرار گیرد. زیرا کیفیت زندگی به همه ابعاد زندگی انسان توجه دارد و ابعاد ذهنی و عینی را توأمان در بر دارد.

منابع

- ۱- آمار، تیمور، (۱۳۷۵)، "امکان سنجی استقرار بهینه سکونتگاههای روستایی بخش رحمت آبد، مجموعه مقالات سمینار ساماندهی روستاهای پراکنده، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، همدان.
- ۲- آیسان، یاسمین؛ یان، دیویس. (۱۳۸۲)، معماری و برنامه ریزی بازسازی، ترجمه علیرضا فلاحی. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ۳- ازکیا، مصطفی ۱۳۸۱، جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران، انتشارات اطلاعات.
- ۴- استعلاجی. علیرضا ۱۳۸۱، بررسی و تحلیل رویکردها و راهبردهای توسعه روستایی- ناحیه ای، نشریه جهاد، سال ۲۲، شماره ۲۵۰-۲۵۱ و ۲۵۲، خرداد و تیر و مرداد

- ۵- افراخته، حسن. (۱۳۷۵)، ارزیابی نتایج حاصله از اجرای طرح‌های ساماندهی روستایی در کشور (مطالعه موردی استان سیستان و بلوچستان)، مجموعه مقالات ساماندهی روستاهای پراکنده، همدان.
- ۶- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. ۱۳۸۲ "برنامه راهبردی مسکن روستایی طرح تدوین اسناد پشتیبان و برنامه مسکن روستایی در برنامه چهارم". معاونت امور مسکن و بازسازی، تهران.
- ۷- تی. پترین، ۱۳۸۱، کارآفرینی به منزله یک نیروی اقتصادی در توسعه روستایی، حمیدرضا زرنگار، نشریه جهاد، سال ۲۲، شماره ۲۵۳، مهر و آبان
- ۸- توده روستا، مهرداد ۱۳۸۲، ایجاد اشتغال در مناطق روستایی، راهی به سوی توسعه روستایی و غلبه بر فقر، نشریه جهاد، سال ۲۳، شماره ۲۵۷، خرداد و تیر
- ۹- حسینی ابری، حسن (۱۳۸۳)، "مدخلی بر جغرافیای روستایی ایران"، دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- ۱۰- جمعه پور، محمود، (۱۳۸۴)، مقدمه ای بر برنامه ریزی توسعه روستایی: دیدگاهها و روش ها، انتشارات سمت .
- ۱۱- دانشپور، عبدالهادی، مرادپور، رضا. (۱۳۸۶)، «مکانیابی سکونتگاه های روستایی پایدار: نمونه موردی: روستای قره چای، خراسان شمالی»، دوماهنامه شهرنگار، سال هشتم، شماره ۴۵.
- ۱۲- رضوانی، محمد رضا؛ منصوریان، حسین؛ احمدی، فاطمه (۱۳۸۹)، ارتقای روستاها به شهر و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی، فصلنامه پژوهشهای روستایی، شماره ۱-ص ۳۳
- ۱۳- صیدایی، سید اسکندر و نوروزی آورگانی، اصغر، (۱۳۸۹)، "تحلیل بر الگوهای استقرار فضایی سکونتگاه‌های روستایی در استان چهارمحال بختیاری"، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۱۸، صص ۵۳-۶۸
- ۱۴- سعیدی، عباس: چشم انداز قنات، چشم انداز چاه؛ یک بررسی تطبیقی، در: مجله رشد آموزش جغرافیا، شماره ۱۶، ۱۳۶۹
- ۱۵- سعیدی، عباس: شیوه های سکونت گزینی و گونه های مسکن روستایی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و UNDP، ۱۳۷۵؛
- ۱۶- سعیدی.ع. ۱۳۷۷. «توسعه پایدار و ناپایدار توسعه روستایی در ایران»، فصل نامه مسکن و انقلاب، شماره ۸۷.
- ۱۷- سعیدی، عباس: مبانی جغرافیای روستایی، انتشارات سمت، چاپ نهم، ۱۳۸۶؛
- ۱۸- سعیدی، عباس و صدیقه حسینی حاصل. "شالوده مکان یابی و استقرار روستاهای جدید". انتشارات شهیدی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۸.
- ۱۹- سعیدی، عباس (۱۳۷۵)، "ضرورت آرایش مکانی- فضایی سکونتگاه‌های روستایی در راستای ساماندهی روستاهای پراکنده"، مجموعه مقالات سمینار ساماندهی روستاهای پراکنده، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، همدان .
- ۲۰- شمس الدینی، علی، شکوری، علی و رستمی روح اله. «تأثیر نوسازی مسکن روستایی بر اقتصاد معیشتی روستاییان مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان ممسنی»: مسکن و محیط روستا، سال یازده ام، شماره ۱۳۵، فصل پاییز، سال ۹۰، صص ۷۰-۵۷.
- ۲۱- شیرازیان، احمد، (۱۳۷۵)، "ساماندهی سکونتگاه‌های روستایی از مفهوم تا مصداق، مجموعه مقالات سمینار ساماندهی روستاهای پراکنده، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، همدان.
- ۲۲- غفاری، سید رامین، (۱۳۷۹)، "ساماندهی نظام فضایی سکونتگاه‌های روستایی دهستان بازفت"، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه جغرافیا.
- ۲۳- غفاری، سید رامین، (۱۳۸۱)، "موانع و عوامل توسعه روستایی در ایران"، فصلنامه علمی- پژوهشی مسکن و انقلاب، شماره ۱۰۰، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- ۲۴- فیروزنیا، قدیر و اقتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین. ۱۳۸۲ جایگاه روستا در فرآیند توسعه ملی از دیدگاه صاحب‌نظران.
- ۲۵- فرهادیان، افسانه و همایون ۱۳۸۲، جایگاه و نقش صنایع روستایی در توسعه روستایی، نشریه جهاد، سال ۲۳، شماره ۲۵۸، مرداد و شهریور
- ۲۶- هاشمی کوچسرانی، مجید (۱۳۷۵)، "بررسی پراکندگی سکونتگاه‌های روستایی در ایران"، مجموعه مقالات سمینار ساماندهی روستاهای پراکنده، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، همدان

- ۲۷- یاسوری، مجید. ۱۳۸۶ "مقدمه ای بر اقتصاد روستایی با تاکید بر بخش کشاورزی". انتشارات به نشر، چاپ اول، مشهد،
- ۲۸- یاسوری، مجید، (۱۳۸۳)، "نظام سلسله مراتبی سکونتگاهها و سطح بندی خدمات روستایی (نمونه شهرستان سرخس)"، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۳ .
- ۲۹- معزی، اسدالله (۱۳۷۱) "مبانی جمعیت‌شناسی" موسسه آوای نور.
- ۳۰- نیلی و همکاران ۱۳۸۲، استراتژی توسعه صنعتی کشور، دانشگاه صنعتی شریف.
- 31- Bell, S. (2005) Researching Sustainability (Material semiotics and oil mallee project), PhD. Dissertation, Institute for Sustainability and Technology Policy, Murdoch University. [PDF File] Online. Available HTTP: <www.homepages.ucl.ac.uk/~ucessjb/Researching%20Sustainability.pdf> [access: 20 December 2005].
- 32- Chisholm, M.: 1962 :Rural Settlements and Land Use, London.
- 33- Coates, B.E.R.J. Johnston and P.L. Knox (1977) "Geography and Inequality" Oxford University Press.
- 34- Elliott, Jennifer (1994) "Introduction to sustainable development" Routledge, London
- 35- Hardoy, J.; Satterthwaite, D. (1993). Housing policies: A review of changing government attitudes and responses to city housing problems in the third world. In S. G. Cheema (Ed.), Urban management: Policies and innovations in developing countries, pp. 111° 161.
- 36- Jupp. D (1998). Community participation in Rural Infrastructure Development - RRMIMP, Indonesia
- 37- Mezer, I.R. & R.J. Huggett: 1981: Settlement. London,;
- 38- Montgomery. J (1998). Social capital- Research Notes ° Harvard university.
- 39- Sanaei-Nejad, S.H., Faraji-Sabokbar, H.A., (2003), Using Location-Allocation Models for Regional Planning in GIS Environment, Ferdowsi University of mashhad, Iran.
- 40- Xu Y.; Tang B.; Chan E.H.W. (2011), State-led land requisition and transformation of rural villages in transitional China. Habitat International (35), pp 57-65

